

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ



عربی، زبان قرآن (۲)

کلیه رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش

پایه یازدهم دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۲۱۱۱۱۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	گروه درسی عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری - محمدکاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - مریم کیوان (طراح جلد) - شهرزاد قنبری (صفحه‌آرا) - رعنا فرج‌زاده دروئی، الهام جعفرآبادی، فاطمه پزشکی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰
چاپخانه:	صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹ شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ ششم ۱۴۰۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِي (قَدْ سَبَّحَهُ) :

«اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ وَ الْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.»

الْفَهْرُسُ

- الف
- ١ بيشگفتار
- ٢ الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
- ٤ التَّلْمِيزُ النَّجَارُ
- ٦ جِوَارُ (مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)
- ١٠ اِئْلَمُوا (فَعْلُ الْأَمْرِ)
- ١٢ التَّمَارِينُ
- النَّشَاطُ اللَّغَوِيُّ

- ١٥ الدَّرْسُ الثَّانِي
- ١٦ التَّقْسُّ عَلَى النَّحَاسِ
- ١٩ جِوَارُ (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)
- ٢٠ اِئْلَمُوا (فَعْلُ الْأَمْرِ)
- ٢٤ التَّمَارِينُ
- ٢٦ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ٢٧ الدَّرْسُ الثَّالِثُ
- ٢٨ اَلْفَنُونُ وَ الْحَرْفُ الْيَدَوِيَّةُ
- ٣١ جِوَارُ (مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)
- ٣٢ اِئْلَمُوا (اَلْفَعْلُ الْمَجْهُولُ)
- ٣٤ التَّمَارِينُ
- ٣٦ اَلْعَمَلُ الْيَدَوِيُّ

- ٣٧ الدَّرْسُ الرَّابِعُ
- ٣٨ تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ
- ٤١ جِوَارُ (شِرَاءِ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)
- ٤٢ اِئْلَمُوا (اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ)
- ٤٤ التَّمَارِينُ
- ٤٦ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای هنرجویان

خداى را سپاسگزاریم که به ما توانایی داد، تا با نگارش دومین کتاب «عربی، زبان قرآن» ویژه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به نوجوانان کشور عزیزمان، خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. شایسته است دبیر عربی برای تدریس این کتاب، کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد، تا با آگاهی از آموخته‌های پیشین هنرجو، تدریسی موفق داشته باشد. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» هدف اصلی آموزش عربی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و متون دینی و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

کتاب‌های عربی، مطابق مصوبه برنامه درسی ملی، متن محور است. انتظار می‌رود هنرجوی پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است. کلمات کتاب‌ها پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است، به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. هرچند مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد، ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ این کتاب در چهار درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در پنج ساعت آموزشی تدریس کرد. زمان تدریس، یک ساعت در هفته است. برخی مدارس، درس عربی را دو هفته یک بار در دو ساعت آموزشی، برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲ آزمون نوبت اول در دی ماه، از درس‌های اول و دوم است.

۳ هنرجوی پایه یازدهم پیش از این با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخَوْنُ الصَّغِيرُ»، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

۴ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست.

۵ پژوهش‌ها و فعالیت‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی به شمار می‌آید.

۶ از بخش پایانی هر چهار درس (الْبَحْثُ الْعِلْمِي، النَّشَاطُ اللُّغَوِي وَاَلْعَمَلُ الْيَدَوِي) در امتحانات میان نوبت و پایانی و کنکور، یا مسابقات سؤالی طرح نخواهد شد. انجام این بخش به وقت و تصمیم دبیر بستگی دارد.

۷ تعریب و إعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۸ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتِ، أَنَا، نَحْنُ» شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند؛ اما در پایان آموزش افعال و ضمایر اشکالی ندارد که به روش مرسوم در صرف اشاره کرد.

۹ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۰ هدف آموزشی درس اول و دوم «تکمیل قواعد درس سوم و چهارم سال گذشته در فعل‌های صحیح و سالم» است. هدف این است که فراگیر با استفاده از آموخته‌های پیشین با فعل‌های امری آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد از ثلاثی مزید و ذکر نوع باب و صیغه فعل از اهداف آموزشی نیست.

۱۱ در درس سوم «فعل مجهول صحیح و سالم» مانند کُتِبَ و یُکْتَبُ تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۱۲ در درس چهارم «اسم فاعل و اسم مفعول» آموزش داده می‌شود و شناخت آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. بحث جامد و مشتق و ساختن اسم فاعل و اسم مفعول، هدف کتاب نیست.

۱۳ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۴ از همکاران گرامی خواهشمندیم با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا هنرجویان با این شیوه آموزش دیده‌اند.

۱۵ حفظ عین جمله‌های بخش «حوار» از نظر آموزشی نادرست است. دانش‌آموز می‌تواند این بخش را با کاهش یا افزایش انجام دهد.

۱۶ هدف قواعد درس اول و دوم ساخت فعل امر از فعل مضارع نیست؛ بلکه هدف این است که دانش‌آموز بتواند فعل‌های پرکاربرد امر را در جمله و با توجه به قرائن بشناسد و درست معنا کند. اگر به متون و عبارات کتاب دهم و یازدهم توجه شود، می‌بینید که همه فعل‌های امر در کتاب به کار نرفته است. قاعده فعل امر در کتاب به صورت کامل تدریس شده؛ اما لازم نیست در ارزشیابی نیز کامل مورد سؤال واقع شود.

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزین سریع پاسخ پیغام بگذارید.



نظرسنجی کتاب درسی

سخنی با هنرجویان عزیز

زبان عربی را می‌آموزیم؛ زیرا:

زبان قرآن، حدیث و دعا و زبان نخست دین اسلام است؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان می‌باشد؛ زبان و ادبیات فارسی با آن در آمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است.

ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد.

در کتاب‌هایی که تحت عنوان کتاب کار، تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات نگاشته می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست. برای یادگیری هر زبانی باید تکرار و تمرین فراوان داشته باشید. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش‌مطالعه کنید.

هدف این کتاب، فهم متن است.

اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

النَّجْم: ٣٩

انسان چیزی ندارد، جز آنچه را با تلاش به دست آورده است.

التِّلْمِيزُ النَّجَّارُ

أَنَا فِي الصُّبْحِ تِلْمِيزٌ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ نَجَّارٌ
 فَلِي قَلَمٌ وَ قِرْطَاسٌ وَ مِسْمَارٌ وَ مِِنْشَارٌ
 وَ عِلْمِي إِنْ يَكُنْ شَرْفًا فَمَا فِي صَنْعَتِي عَارٌ
 فَلِلْعُلَمَاءِ مَرْتَبَةٌ وَ لِلصَّنَّاعِ مِقْدَارٌ



الْمُعْجَم

قِرطاس: کاغذ = وَرَق	إِنْ يَكُنْ: اگر باشد
مَرْتَبَة: جایگاه	سَعَى: تلاش کرد = حَاوَلَ، اجْتَهَدَ، جَدَّ
مِسْمَار: میخ	صُنَاع: صنعتگران «مفرد: صانع»
مِقْدَار: اندازه (در اینجا: ارزش)	فَلِي: پس دارم (قَدْ + لِي + ي)
مِنْشَار: اره	عَار: ننگ = عَيْب



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐

١ التَّلْمِيذُ مَشْغُولٌ بِالْعَمَلِ لِكَسْبِ الْمَهَارَةِ.

٢ اَلْقَلَمُ وَ الْقِرطاسُ مِنْ اَدَوَاتِ الدَّرَاسَةِ.

٣ يَذْهَبُ التَّلْمِيذُ اِلَى الْعَمَلِ صَبَاحًا.

٤ لَيْسَ لِلصُّنَاعِ مَقَامٌ.

٥ لَيْسَ الْعَمَلُ عَارًا.

حوار مع سائق سيارة الأجرة

السائق	السيّاح
أنا في خدمتكم.	يا سائق، نريد أن نذهب إلى المدائن.
أظن المسافة سبعة و ثلاثين كيلومتراً. عجيب؛ لم تذهبوا إلى المدائن؟	كم المسافة من بغداد إلى هنا؟
لأنه لا يذهب إلى المدائن إلا قليل من الزوار.	لزيارة مرقد سلمان الفارسي عليه السلام و مشاهدة طاق كسرى؛ لماذا تتعجب؟!
زيارة مقبولة! أ تعرف من هو سلمان عليه السلام؟	في البداية تشرفنا بزيارة العتبات المقدسة.
أحسن! وهل لك معلومات عن طاق كسرى؟	نعم؛ أعرفه، إنه من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله.
ما شاء الله! معلوماتك كثيرة!	بالتأكيد؛ إنه أحد قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام. أنشد شاعران كبيران قصيدتين عند مشاهدة إيوان كسرى: البحرُي من أكبر شعراء العرب، و خاقاني، الشاعر الإيراني.

أحسن: آفرين بر تو

تشرفنا: مشرف شديد
أنشد: سرود (مضارع: يُنشد)

أظن: گمان می کنم (ماضي: ظن)
ملوك: شاهان «مفرد: ملك»

أن نذهب: که برویم
قصور: کاخها «مفرد: قصر»



طاقُ كِسْرَى



مَرْقَدُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اعلموا

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱)

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افْعَلْ»، «افْعِلْ» و «افْعُلْ» آشنا شدید؛ مثال:

تَسْمَعُ: می شنوی	إِسْمَعُ: بشنو	تَنْزِلُ: پایین می آیی	إِنْزِلُ: پایین بیا
تَلْعَبُ: بازی می کنی	إِلْعَبُ: بازی کن	تَعْرِفُ: می شناسی	اعْرِفُ: بشناس
تَذْهَبُ: می روی	إِذْهَبُ: برو	تَكْتُبُ: می نویسی	اُكْتُبُ: بنویس
تَعْمَلُ: کار می کنی	اعْمَلُ: کار کن	تَخْرُجُ: خارج می شوی	اُخْرُجُ: خارج شو
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسُ: بنشین	تَنْظُرُ: نگاه می کنی	انْظُرُ: نگاه کن

«افْعَلْ» مانند افْتَحَ: باز کن «افْعِلْ» مانند اضْرِبْ: بزن «افْعُلْ» مانند اُخْرُجْ: خارج شو در درس سوم پایه دهم با فعل‌هایی آشنا شدید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیشتر از سه حرف اصلی داشت؛ مانند: اسْتَغْفَرَ، اِنْتَعَدَ، اِنْسَحَبَ و تَعَلَّمَ. سال گذشته با مضارع و مصدر این فعل‌ها آشنا شدید. اکنون با فعل امر آنها نیز آشنا شوید.

تَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهی	اسْتَغْفِرُ: آمرزش بخواه
تَبْتَغِدُ: دور می شوی	اِبْتَغِدُ: دور شو
تَنْسَحِبُ: عقب نشینی می کنی	اِنْسَحِبُ: عقب نشینی کن
تَتَعَلَّمُ: یاد می گیری	تَعَلَّمُ: یاد بگیر

۱- «ماضی سوم شخص مفرد» بیشتر فعل‌های دوره اول متوسطه فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شدند؛ مانند: ذَهَبَ و سَمِعَ.

وزن فعل‌های ماضی و مضارع و مصدرهای جدول زیر را سال گذشته حفظ کردید.
اکنون فعل امر را در کنار آن حفظ کنید.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَال
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

مثال: ~~اِسْتَفْعَلَ~~ ← اِسْتَفْعِلْ ~~اِفْتَعَلَ~~ ← اِفْتَعِلْ ~~اِنْفَعَلَ~~ ← اِنْفَعِلْ ~~تَفَعَّلَ~~ ← تَفَعَّلْ

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُ: کار می‌کند	اِسْتَعِلْ: کار کن	اِسْتِعَال: کار کردن
اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتِحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	تَكَلَّمْ: سخن بگو	تَكَلُّم: سخن گفتن

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، نشانه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.
یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

«نـ» در «إِفْعَلْ، اسْتَفْعِلْ، افْتَعِلْ، انْفَعِلْ، تَفَعَّلْ» مانند:

إِذْهَبْ اسْتَخْرِجْ اكْتَسِبْ انْصَحِبْ تَعَلَّمْ

«یـ» در «إِفْعَلِي، اسْتَفْعِلِي، افْتَعِلِي، انْفَعِلِي، تَفَعَّلِي» مانند:

إِذْهَبِي اسْتَخْرِجِي اكْتَسِبِي انْصَحِبِي تَعَلَّمِي

«و» در «إِفْعَلُوا، اسْتَفْعِلُوا، افْتَعِلُوا، انْفَعِلُوا، تَفَعَّلُوا» مانند:

إِذْهَبُوا اسْتَخْرِجُوا اكْتَسَبُوا انْصَحَبُوا تَعَلَّمُوا

«نـ» در «إِفْعَلْنَ، اسْتَفْعِلْنَ، افْتَعِلْنَ، انْفَعِلْنَ، تَفَعَّلْنَ» مانند:

إِذْهَبْنَ اسْتَخْرِجْنَ اكْتَسِبْنَ انْصَحِبْنَ تَعَلَّمْنَ

«ا» در «إِفْعَلَا، اسْتَفْعِلَا، افْتَعِلَا، انْفَعِلَا، تَفَعَّلَا» مانند:

إِذْهَبَا اسْتَخْرِجَا اكْتَسَبَا انْصَحَبَا تَعَلَّمَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَنْتَظِرُونَ: منتظر می‌شوید اِنْتَظِرُوا:

تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می‌کنی تَعَجَّبِي:

تَسْتَخْرِجَنَّ: خارج می‌کنید اسْتَخْرِجَنَّ:

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَعَجَلَ:	يَسْتَعِجِلُ:	اِسْتَعِجِلْ:	اِسْتِعْجَال: عجله کردن
اِعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:	اِعْتَذِرْ:	اِعْتِذَار: پوزش خواستن
اِنْهَدَمَ:	يَنْهَدِمُ:	اِنْهَدِمْ:	اِنْهَادَم: ویران شدن
تَقَرَّبَ:	يَتَقَرَّبُ:	تَقَرَّبْ:	تَقَرُّب: نزدیک شدن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): اِقْرَأِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحَةً، وَ اجْعَلْ عِلَامَاتِهَا.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
استشهد	يستشهد	استشهد	استشهاد
افتخر	يفتخر	افتخر	افتخار
انصرف	ينصرف	انصرف	انصراف
تصور	يتصور	تصور	تصور
استخدم	يستخدم	استخدم	استخدام
اعترف	يعترف	اعترف	اعتراف
انقرض	ينقرض	انقرض	انقراض
تعمد	يتعمد	تعمد	تعمد

التمرين الأول: أَيْ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ.

- ١ شَيْءٌ حَدِيدِيٌّ نَضْرِبُ عَلَى رَأْسِهِ لِلدُّخُولِ فِي الْخَشَبِ وَ الْجِدَارِ.
- ٢ أَدَاةٌ حَدِيدِيَّةٌ لَهَا أَسْنَانٌ، لِقَطْعِ الْخَشَبِ وَ نَحْوِهِ.
- ٣ وَرَقَةٌ بِاللَّوْنِ الْأَبْيَضِ تَكْتُبُ عَلَيْهَا.
- ٤ عَيْبٌ كَبِيرٌ وَ قَضِيحَةٌ عَظِيمَةٌ.
- ٥ حَاكِمٌ عَلَى بِلَادٍ بِحُكْمِ الْوَرَاثَةِ.

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

١ صَاحِبُ حِرْفَةٍ مِنَ الْحِرَفِ

- ☐ التَّجَار ☐ الصُّدَاع ☐ الذِّكْرِيَّات ☐ الْبَسِيط

٢ (جَمْعُ تَكْسِيرٍ)

- ☐ الصَّحِيفَةُ ☐ الصَّبَاح ☐ الْمِنْشَار ☐ الصُّنَاع

٣ (أَفْعَالُ التَّجَاج)

- ☐ الْمِهْنَةُ ☐ الْكَسَل ☐ النَّشَاط ☐ الْمُصَافَحَةُ

٤ (إِسْمٌ مُفْرَدٌ)

- ☐ الْفُصُور ☐ الْمُلُوك ☐ الدُّخُول ☐ الْعُلُوم

٥ (طَائِرُ اللَّيْلِ)

- ☐ الْبُوم ☐ السَّائِح ☐ الْكَهْف ☐ السَّائِق

٦ (لَيْسَ مِنَ الْفَوَاكِه)

- ☐ الرُّمَّان ☐ الْعِنَب ☐ التُّفَّاح ☐ الْفَرَس

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثَ؛ ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الْأَمْرِ.

١ ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ١٤٧

٢ ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ أَلْعَلَّ: ٣ و ٤

٣ ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غافر: ٥٥

٤ ﴿وَعَظَّ اللَّهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِعْقِلْ وَتَفَكَّرْ وَانْظُرْ فِي نَوَاجِي الْأَرْضِ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ.

٥ ﴿تَصَدَّقُوا؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ؛ وَتَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦ ﴿ارْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ؛ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٧ ﴿اسْتَغْفِرُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



أَكْرَم: گرامی تر اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه وَعَظَّ: اندرز داد اِعْقِلْ: بیندیش اسْتَغْفِرُوا: فرود بیاورید

النشاط اللغوي

صُغِّ تَحْتَ كُلِّ صُورَةٍ اسْمَ صَاحِبِ الْمِهْنَةِ مُسْتَعِينًا بِالْكَلِمَاتِ الَّتِي بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ؛ ثُمَّ تَرَجِّمِ
الْكَلِمَاتِ الزَّائِدَةَ.

(السَّيَّارُ / الطَّبَّاخُ / النَّجَّارُ / الْحَدَّادُ / الْخَبَّازُ / الْحَلَّاقُ / الْمُحَاسِبَةُ / الرَّسَّامَةُ / الْكُوءُ /
الْكَهْرَبَائِيُّ / الْبَزَّازُ / الطَّبَّاخُ / الْمُصَلِّحُ / خَرَّاطُ الْحَدِيدِ / الصَّيْدَلَانِيَّةُ / الْحَلْوَانِيُّ / الْمُصَوِّرَةُ /
الْمُوسِيقَارُ / خِيَّاطَةُ الْفُسَاتِينِ / الْمُضَيِّفَةُ / الطَّبِيبَةُ)



الدَّكِيَّةُ



المَاهِرَةُ



النَّظِيفُ



القَوِيُّ



الصَّادِقَةُ



المُحَجَّبَةُ



..... الْقَادِرُ



..... الْمَسْئُولُ



..... الْفَهِيْمَةُ



..... النَّشِيطَةُ



..... الْمَعْرُوفُ



..... الشَّابُّ



..... الْمُنْصِفُ



..... الْمُجَرَّبَةُ



الدَّرْسُ الثَّانِي



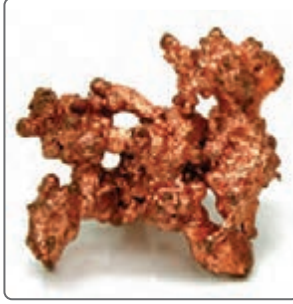
﴿هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾

هود : ٦١

او شما را از زمین پدید آورد و از شما خواستار آبادانی اش شد.

النَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ

النُّحَاسُ عُنْصُرٌ يَدْخُلُ فِي تَرْكِيبِ الْكَثِيرِ مِنَ السَّبَائِكِ كَالذَّهَبِ لِإِعْطَاءِ الصَّلَابَةِ إِلَيْهِ.



النُّحَاسُ مُوصَّلٌ لِلْكَهْرَبَاءِ ، فَيَسْتَخْدِمُهُ الصَّانِعُ فِي صِنَاعَةِ الْأَسْلَاحِ وَ الْكَابِلَاتِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ وَ الْأَجْهَازَةِ الْإِلِكْتَرُونِيَّةِ ، وَ فِي مَوَادِّ الْبِنَاءِ بِسَبَبِ مُقَاوَمَتِهِ لِلتَّآكُلِ ، وَ فِي صِنَاعَةِ النُّقُودِ الْمَعْدِنِيَّةِ وَ الْمُجَوَهَرَاتِ.



النَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ مِنَ الصَّنَاعَاتِ الْيَدَوِيَّةِ الَّتِي يُحِبُّهَا السِّيَّاحُ الْأَجَانِبُ وَ الْإِيرَانِيُّونَ. يَرَسُمُ الْفَنَّانُ رَسْمًا عَلَى قِطْعَةٍ مِنَ النُّحَاسِ بِوَاسِطَةِ قَلَمِ الرِّصَاصِ. ثُمَّ يَنْقُرُ عَلَى النُّحَاسِ بِالْمِطْرَقَةِ وَ يَحْفَرُهُ وَ بَعْدَ هَذِهِ الْمَرَحَلَةِ يَلْمَعُهُ بِالْفُرْشَةِ. ثُمَّ تَأْتِي مَرَحَلَةُ الطَّلَاءِ بِالذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ أَوْ الْبُرُونزِ.



يُنتِجُ الْفَنَّاوَنَ لَوَاحٍ نُحَاسِيَّةً مَكْتُوبَةً بِأَلْيَاتِ
وَ الْأَحَادِيثِ وَ أَشْكَالٍ جَمِيلَةٍ.



النَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ أَقْسَامٌ: مِنْهَا النَّقْشُ عَلَى الْأَوَانِي، وَ النَّقْشُ عَلَى وَرَقَةٍ نُحَاسِيَّةٍ.
يَبِيعُ الْفَنَّاوَنُ مُنْتَجَاتِهِمُ النُّحَاسِيَّةَ بِشَكْلِ الْأَلْوَاكِ فِي الْمَعْرِضِ وَ فِي سَوَاقِ الصَّنَاعَاتِ
الْيَدَوِيَّةِ.



قَلَمُ الرَّصَاصِ: مداد	أَجْهَرَةٌ: دستگاه‌ها «مفرد: جهاز»
لَوْحَةٌ: تابلو	اِسْتَعْمَرَ: خواستار آبادانی شد
مُجَوَّهَرَات: جواهرات	اَسْلَاک: سیم‌ها «مفرد: سِلْک»
مِطْرَقَةٌ: چکش	اَنْشَأَ: پدید آورد، ساخت
مَعْرِض: نمایشگاه	«مضارع: يُنْشِئُ / مصدر: إنشاء»
مُنْتَجَات: تولیدات «مفرد: مُنْتَج»	اَوَانِي (اَوَانٍ): ظرف‌ها «مفرد: اِناء»
مُوَصَّل: رسانا	تَأَكَّل: پوسیدگی، خوردگی
نُحَاس: مس	سَبَائِك: شمش‌ها «مفرد: سَبِیْکَة»
نُقُود مَعْدِنِيَّة: سکه	سَيَّاح: گردشگران، جهانگردان «مفرد: سائح»
يُلَمِّعُ: درخشان می‌کند «ماضی: لَمَعَ»	صَلَابَةٌ: محکمی
يُنْتِجُ: تولید می‌کند «ماضی: اَنْتَجَ»	طَلَاء بِالذَّهَب: روکش طلا زدن
يَنْقُرُ: نقش می‌کند، نوک می‌زند «ماضی: نَقَرَ»	فَنَان: هنرمند

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إجاباتٍ قَصِيرَةً.

- ١ هَلْ يَنْقُرُ الْفَنَانُ عَلَى النُّحَاسِ بِالْمِفْتَاحِ الْفِضِّيِّ؟
- ٢ أَيُّ عُنْصُرٍ يَدْخُلُ فِي تَرْكِيبِ الْكَثِيرِ مِنَ السَّبَائِكِ؟
- ٣ لِمَاذَا يَسْتَخْدِمُ الصَّانِعُ النُّحَاسَ فِي مَوَادِّ الْبِنَاءِ؟
- ٤ أَيْنَ يَبِيعُ الْفَنَانُونَ مُنْتَجَاتِهِمُ النُّحَاسِيَّةَ؟
- ٥ أَيْمَكُنْ مَرَحَلَةُ الطَّلَاءِ بِالْمَاءِ الْحَارِّ؟

جَوَارُ مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقبالِ الْفُنْدُقِ

مَسْؤُولُ اسْتِقبالِ الْفُنْدُقِ	الْسَّائِحُ
ما هُوَ رَقْمَ عُرْفَتِكَ؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
تَفَضَّلْ.	مِئَتَانِ وَ عِشْرُونَ.
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.	عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.	لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ؟
الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.	مَتَى مَوَاعِدُ الْفُطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟
شَايٌ وَ حُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ وَ زُبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ مُرَبَّى الْمِشْمِشِ.	وَمَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟

مَوَاعِدُ: وَقْتُهَا «جَمْعُ مَوَعِدٍ»

سَاعَةُ الدَّوَامِ: سَاعَتُ كَار

مَسْؤُولُ الْاسْتِقبالِ: مَسْئُولُ بِذِيرِش
أَعْطِنِي: بِهِ مِنْ بَدَه
زُبْدَةٌ: كَرَه
جُبْنَةٌ: پَنِير

وَمَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟

رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ.

وَمَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟

رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ بِإِذْنِجَانٍ.

أَشْكُرُكَ.

لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.



إِعْلَمُوا

فِعْلُ الْأَمْرِ (٢)

در درس چهارم پایه دهم با فعل‌هایی آشنا شدید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیشتر از سه حرف اصلی بود؛ اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید: أَخْرَجَ، تَعَارَفَ، عَلَّمَ و شَاهَدَ سال گذشته با مضارع و مصدر این فعل‌ها آشنا شدید. اکنون با فعل امر آنها نیز آشنا شوید.

تَعَارَفَ: آشنا می شوی تَعَارَفَ: آشنا شو

تُخْرِجُ: خارج می کنی أَخْرَجَ: خارج کن

تَشَاهَدُ: می بینی شَاهِدٌ: بین

تُعَلِّمُ: یاد می دهی عَلَّمَ: یاد بده

وزن فعل های ماضی و مضارع و مصدرهای جدول زیر را سال گذشته حفظ کردید.
اکنون فعل امر را در کنار آن حفظ کنید.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ

~~تَفَاعَلَ~~ ← تَفَاعَلْ ~~يَتَفَاعَلُ~~ ← فَعَّلْ ~~يُفَعِّلُ~~ ← فَعَّلْ ~~يُفَاعِلُ~~ ← فَاعِلْ ~~يُفْعِلُ~~ ← أَفْعِلْ

مثال:

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهَ: همانند شو	تَشَابُهٌ: همانند شدن
فَرَحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

آنچه در یادگیری فعل‌های امر مهم است، شناسه‌ها هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.

یادآوری شناسه‌های فعل امر که در پایه نهم خواندید:

«ن» در «إِفْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَّلْ، فاعِلْ، أَفْعَلْ» مانند:

إِذْهَبْ تَشَابَهْ فَرَّحْ جَالِسْ أَخْرِجْ

«ی» در «إِفْعَلِي، تَفَاعَلِي، فَعَّلِي، فاعِلِي، أَفْعَلِي» مانند:

إِذْهَبِي تَشَابَهِي فَرَّحِي جَالِسِي أَخْرِجِي

«و» در «إِفْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فاعِلُوا، أَفْعَلُوا» مانند:

إِذْهَبُوا تَشَابَهُوا فَرَّحُوا جَالِسُوا أَخْرِجُوا

«نَ» در «إِفْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فاعِلْنَ، أَفْعَلْنَ» مانند:

إِذْهَبْنَ تَشَابَهْنَ فَرَّحْنَ جَالِسْنَ أَخْرِجْنَ

«ا» در «إِفْعَلَا، تَفَاعَلَا، فَعَّلَا، فاعِلَا، أَفْعَلَا» مانند:

إِذْهَبَا تَشَابَهَا فَرَّحَا جَالِسَا أَخْرِجَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمُونَ: سلام می‌کنید سَلِّمُوا:

تَتَعَارَفْنَ: آشنا می‌شوید تَعَارَفْنَ:

تُشَارِكُن: شرکت می‌کنید شَارِكَا:

تُحْسِنِينَ: نیکی می‌کنی أَحْسِنِي:

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) : تَرَجِّمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
حَرَّكَ :	يُحَرِّكُ :	حَرِّكْ :	تَحْرِيكُ: حرکت دادن
حَاوَلَ :	يُحَاوِلُ :	حَاوِلْ :	مُحَاوَلَةٌ: تلاش کردن
تَنَاوَلَ :	يَتَنَاوَلُ :	تَنَاوَلْ :	تَنَاوُلُ: خوردن
أَنْزَلَ :	يُنْزِلُ :	أَنْزِلْ :	إِنْزَالُ: پایین آوردن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) : اِقْرَأْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ قِرَاءَةً صَحِيحَةً، ثُمَّ اجْعَلْ عَلَامَاتِهَا.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
لون	يلون	لون	تلوين
سافر	يسافر	سافر	مسافرة
أجلس	يجلس	أجلس	إجلاس
تعادل	يتعادل	تعادل	تعادل
قسم	يقسم	قسم	تقسيم
حافظ	يحافظ	حافظ	محافظة
أثبت	يثبت	أثبت	إثبات
تبادل	يتبادل	تبادل	تبادل



التمرين الأول: صَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(الْمِطْرَقَةُ / الْمَعْرِضُ / الْفَنَانُ / الْجُبْنُ / الدَّجَاجُ / الدَّوَامُ / أَسْلَاكُ / الْمَجْوَهَرَاتُ)

- ١ نَأْكُلُ لَحْمَ هَذَا الطَّائِرِ مَعَ الرُّزِّ فِي حَفْلَةِ الْعُرْسِ وَ فِي مَرَاسِيمِ الْعَزَاءِ.....
- ٢ مِنْ مُشْتَقَّاتِ الْحَلِيبِ نَأْكُلُهُ فِي الْفَطُورِ مَعَ الْخُبْزِ وَ الشَّايِ.....
- ٣ آلَةٌ يَضْرِبُ بِهَا النَّجَّارُ عَلَى الْمِسْمَارِ لِلدُّخُولِ فِي الْخَشَبِ.....
- ٤ وَقْتُ الْعَمَلِ لِلْمَوْظَفِ فِي الْإِدَارَةِ أَوْ لِلْعَامِلِ فِي الْمَصْنَعِ.....
- ٥ زِينَاتٌ دَهَبِيَّةٌ أَوْ فِضِّيَّةٌ تَلْبَسُهَا الْبَنَاتُ وَ النِّسَاءُ.....
- ٦ مَكَانٌ وَاسِعٌ لِعَرْضِ الْأَشْيَاءِ وَ الْمُنْتَجَاتِ لِبَيْعِهَا.....



التمرين الثاني: اقْرَأْ أَفْعَالَ الْجَدْوَلِ وَ صَعْ عِلَامَاتِهَا؛ ثُمَّ كَمِّلْ تَرْجَمَتَهَا.

الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ
لَمَعَ: درخشان کرد	يَلْمَعُ:	لَمَعَ:	تَلْمِيعُ: درخشان کردن
أَنْتَجَ: تولید کرد	يَنْتَجُ:	أَنْتَجْ:	إِنْتَاجُ: تولید کردن
ابْتَعَدَ:	يَبْتَعدُ: دور می شود	ابْتَعدْ:	إِبْتِعادُ: دور شدن
تَحَرَّكَ:	يَتَحَرَّكُ: حرکت می کند	تَحَرَّكْ:	تَحَرُّكُ: حرکت کردن
سَافَرَ: سفر کرد	يَسَافِرُ:	سَافِرْ:	مُسَافَرةُ: سفر کردن
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَخْدَمُ:	اسْتَخْدَمْ:	إِسْتِخْدَامُ: به کار گرفتن
انْفَتَحَ:	يَنْفَتَحُ:	انْفَتَحْ: باز شو	إِنْفِتَاحُ: باز شدن
تَنَاوَلَ: خورد	يَتَنَاوَلُ:	تَنَاوَلْ:	تَنَاوُلُ: خوردن



الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثَ الثَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ وَ اذْكُرْ نَوْعَهَا:
(الْمَاضِي وَ الْمُضَارِعَ وَ الْأَمْرَ)

۱ ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ الْقَصَصُ: ٧٧

۲ ﴿وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ١٩٩

۳ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

۴ ﴿أَخْلَصُوا أَعْمَالَكُمْ لِلَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لَهُ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵ ﴿تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ؛ وَ تَوَاضَعُوا
لِمَن تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَن تُعَلِّمُونَهُ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۶ ﴿مَنْ قَطَعَ قَرِينَ السَّوْءِ، فَكَأَنَّمَا عَمِلَ بِالتَّوْرَةِ﴾ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ ﷺ

۷ ﴿إِنَّ الزَّرْعَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِالْمَاءِ وَ الثُّرَابِ؛ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَصْلُحُ
إِلَّا بِالْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ﴾ عِيسَى رُوحُ اللَّهِ ﷺ

تُرَاب: خَاك

سَكِينَة: آرامش

خَلَصَ: خالص شد

أَخْلَصُوا: خالص كنید

يَصْلُحُ: شایسته می شود، برازنده می شود «ماضی: صَلَحَ»

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ اِحْدَى الصَّنَاعَاتِ اَلْيَدَوِيَّةِ بِاَللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ اِلَى
اَلْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ





۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَهُوَ:
أَنْ يَكُونَ حَازِقًا بِعَمَلِهِ، مُؤَدِّيًّا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ، مُسْتَمِيلًا لِمَنْ
اسْتَعْمَلَهُ.

الإمام الصادق عليه السلام

هر صنعتگری ناگزیر به داشتن سه ویژگی است تا با آنها سود فراهم آورد: اینکه در کارش چیره‌دست و در آن امانت‌دار باشد و کسی را که او را به کار گماشته خشنود سازد.

الْفُنُونُ وَ الْحِرَفُ الْيَدَوِيَّةُ

إِنَّ تَعَلُّمَ الْفُنُونِ الْيَدَوِيَّةِ يُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِنْتِبَاهِ وَ الصَّبْرِ وَ يَجْعَلُ الْإِنْسَانَ ذَكِيًّا.

لِكَثِيرٍ مِنَ الْحِرَفِ الْيَدَوِيَّةِ إِمْكَانُ الْبَيْعِ مِنْهَا:
«التَّطْرِيزُ» وَ «صُنْعُ الْأَزْهَارِ» وَ «صُنْعُ الدُّمَى مِنَ الْقُمَاشِ» وَ «نَحْتُ الْخَشَبِ» وَ «الْمُتَمَنِّمَةُ»
وَ «الْفَخَّارُ» وَ «صِنَاعَةُ الْخَزْرِ الرَّجَاجِيِّ».



في بداية الأمر يُمكن عَرَضُ المُنْتَجَاتِ عَلَى الأَصْدِقَاءِ وَ الأَقْرَبَاءِ، وَ مَعْرِفَةُ آرَائِهِمْ، وَ بَيْعُ المُنْتَجَاتِ لَهُمْ. ثُمَّ يُمكنُ إنشاءُ صَفْحَةٍ عَلَى مَوَاقِعِ التَّوَاصُلِ الإِجْتِمَاعِيِّ؛ وَ عَرَضُ مُنْتَجَاتِكَ.



وَ إِلَيْكَ الآنَ بَعْضُ النَّصَائِحِ لِتَسْوِيقِ المُنْتَجَاتِ بِشَكْلٍ أَفْضَلَ وَ صَمَانِ الوُصُولِ لِلزَّبَائِنِ:

- ١ عَرَضُ صُورِ المُنْتَجَاتِ.
- ٢ مُشَاهَدَةُ المُنَافِسِينَ وَ مَعْرِفَةُ طُرُقِهِمْ فِي التَّسْوِيقِ وَ البَيْعِ.
- ٣ التَّعَرُّفُ عَلَى آرَاءِ الزَّبَائِنِ.
- ٤ المُمَارَكَةُ فِي المَعَارِضِ المَحَلِّيَّةِ.
- ٥ إنشاءُ عَلامَةٍ تِجَارِيَّةٍ خَاصَّةٍ لَكَ.



فَخَّار: سُفَال	اِسْتَعْمَلَ: به کار گماشت
فُنُون: هنرها «مفرد: فَن»	تَسْوِيق: بازاریابی
مُسْتَمِيل: به دست آورنده دل	تَطْرِيز: گلدوزی
مُضْطَرّ: ناگزیر	تَعَرَّفَ عَلَی: شناختی
مَكْسَب: سود = نَفْع	تَوَاصُل: ارتباط
مُنَافِسین: رقیبان	حَاقِق: چیره دست = ماهر
مُنْمَنَمَة: مینیاتور	خَرَز: مهره «واحد آن: خَرَزَة»
مَوَاقِع: سایت ها «مفرد: مَوْقِع»	دُمِی: عروسک «واحد آن: دُمِیَة»
مُوَدِّي (مُوَدّ): به جا آورنده	ذی صِنَاعَة: صنعتگر «ذی، ذو: دارای»
نَحْتُ الخَشَب: منبت کاری	زَبَائِن: خریداران «مفرد: زَبُون» = مُشْتَرِی
وَإِلَیْكَ الآن: و اینک به شما تقدیم می شود	ضَمَان: تضمین
وُصُول: رسیدن	عَرَض: نمایش
يَجْتَلِبُ: فراهم می کند «ماضی: اِجْتَلَبَ»	



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

- ۱ «الْدُمِیَّةُ» شَیْءٌ عَلَی صُورَةِ مَخْلُوقَاتٍ حَقِیقِیَّةٍ أَوْ خِیَالِیَّةٍ یَلْعَبُ بِهَا الْأَطْفَالُ.
- ۲ «اَلتَّسْوِیقُ» مَهَارَةٌ لِلتَّعَرُّفِ عَلَی الزَّبَائِنِ وَ عَلَی أَسَالِیبِ الْبَیْعِ.
- ۳ «اَلتَّطْرِیزُ» فَنٌ تَزْیِینِ الْقُمَاشِ أَوْ مَوَادِّ شَبِیْهَةٍ بِهِ بِرُسُومٍ مُخْتَلِفَةٍ.
- ۴ «اَلزَّبُونُ» هُوَ الَّذِی یَذْهَبُ فِی الشِّرَاءِ عَلَی بَائِعٍ أَوْ مَحَلٍّ وَاحِدٍ.
- ۵ لَا تَأْثِیرَ لِمَوَاقِعِ التَّوَاصُلِ اِلِجْتِمَاعِیِّ فِی بَیْعِ الْمُنْتَجَاتِ.
- ۶ لَیْسَ لِاکْثَرِ اَلْحِرَفِ اَلِیَدَوِیَّةِ اِمْکَانُ الشِّرَاءِ.

جَوارٌ مَعَ مُشْرِفٍ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ

مَسْؤُولُ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ

السَّائِحُ

الْسَّيِّدُ دِمَشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ
عُرْفِ الْفُنْدُقِ.
ما هِيَ الْمُشْكِلَةُ؟

عَفْوَاً؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْعُرْفِ
وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟

أَعْتَذِرُ مِنْكَ، رَجَاءً اسْتَرْخُ؛ سَأَتَّصِلُ
بِالْمُشْرِفِ.

لَيْسَتْ الْعُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ.

مَسْؤُولُ الاسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ، وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ.

السَّائِحُ

مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ

لَيْسَتْ عُرْفَتِي وَ عُرْفُ زُمَلَائِي نَظِيفَةً،
وَ فِيهَا نَوَاقِصُ.

ما هِيَ الْمُشْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!

فِي الْعُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ،
وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ،
وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّالِثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ.

سَيَأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ،
وَ مَا الْمُشْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟

تَسَلَّمْ عَيْنُكَ!

نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ
سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي.



مُشْرِفٌ: مدير داخلي تَنْظِيفٌ: تميز كردن حِفَاطٌ: نگهداری اسْتَرْخُ: راحت باش اتَّصَلُ: تماس می گیرم صِيَانَةٌ: تعمیرات
سَرِيرٌ: تخت مَكْسُورٌ: شکسته شَرَشَفٌ: ملافه مُكَيِّفٌ: کولر نَصَلِّحُ: تعمیر می کنیم

الْفَعْلُ الْمَجْهُولُ

با «فعل مجهول» در دستور زبان فارسی آشنا شوید.

(نوشت ← نوشته شد / می نویسد ← نوشته می شود)

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل، از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می شود؛
مثال:

زد: زده شد می زند: زده می شود دید: دیده شد می بیند: دیده می شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛

ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان، در را گشود» می دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

خَلَقَ: آفریده شد

خَلَقَ: آفرید

غَسَلَ: شسته شد

غَسَلَ: شُست

يَخْلُقُ: آفریده می شود

يَخْلُقُ: می آفریند

يَغْسِلُ: شسته می شود

يَغْسِلُ: می شوید

در دستور زبان عربی، هنگام مجهول شدن فعل، وزن آن تغییر می کند.

يَكْتُبُ: نوشته می شود

يَكْتُبُ: می نویسد

كُتِبَ: نوشته شد

كُتِبَ: نوشت

يَضْرِبُ: زده می شود

يَضْرِبُ: می زند

ضُرِبَ: زده شد

ضُرِبَ: زد

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال های بالا بباید.

يَفْعَلُ ← يَفْعَلُ

فَعَلَ ← فَعِلَ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.



١ ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الأعراف: ٢٠٤

٢ ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ مريم: ٦٠

٣ ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الغاشية: ١٧



٤ ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَنُ: ٥٥

٥ ﴿وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ النِّسَاء: ٢٨

٦ ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٣

صيام: روزه = صَوْم

إِيل: شتران

لَعَلَّ: شاید، امید است

أَنْصِتُوا: خاموش باشید



التَّمرينُ الأوَّلُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(اِتَّصَلْنَا / سَرِيرٌ / الصَّيَامُ / مُكَيِّفٌ / شَرَّشَفُ / لَعْلُهُ / اُنْصِتُوا / الْإِبِلُ)

- ١ تُعْرِفُ بِسَفِينَةِ الصَّحَرَاءِ.
- ٢ شَهْرُ رَمَضَانَ، شَهْرُ الْعِبَادَةِ وَ
- ٣ رَجَاءٌ؛ لِلْأُسْتَاذِ الَّذِي يَتَكَلَّمُ مَعَكُمْ.
- ٤ الْجَوْ حَارٌّ جِدًّا وَ لَا فِي هَذِهِ الْحَافِلَةِ.
- ٥ إِسْأَلُوا عَنْ حَالِ زَمِيلِكُمْ الْغَائِبِ؛ مَرِيضٌ.
- ٦ وَقَعَ حَادِثٌ مُرَوِّرٌ؛ فَ بِالْمُسْتَشْفَى وَ مَرَكَزِ الشَّرْطَةِ.



التَّمرينُ الثَّانِي: اكْتُبْ مَعْنَى الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ.

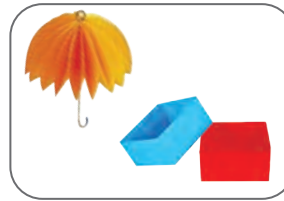
- ١ عَرَفَ: شَنَاخَتْ عَرِفَ: يَعْرِفُ: مَي شَنَاسَد يُعْرِفُ:
- ٢ فَتَحَ: كُشُودَ فَتَحَ: يَفْتَحُ: مَي كُشَايِد يُفْتَحُ:
- ٣ رَفَعَ: بَالَا بُرْدَ رَفَعَ: يَرْفَعُ: بَالَا مَي بُرْد يُرْفَعُ:
- ٤ سَتَرَ: پُوشَانْدَ سَتَرَ: يَسْتُرُ: مَي پُوشَانْد يُسْتَرُ:
- ٥ دَفَعَ: پَرْدَاخْتِ دَفَعَ: يَدْفَعُ: مَي پَرْدَاذ يُدْفَعُ:
- ٦ شَرَبَ: نُوشِيدَ شَرَبَ: يَشْرَبُ: مَي نُوشِد يُشْرَبُ:

التَّمرينُ الثَّالثُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١ أَلَكَلِمَةُ الْغَرِيبَةُ : سَائِقُ ☐ فَلَّاحُ ☐ حَدَّادُ ☐ جَاهِزُ ☐
- ٢ أَلَكَلِمَةُ الْغَرِيبَةُ : مِقْدَارُ ☐ مِشْأَرُ ☐ مِفْتَاحُ ☐ مِسمَارُ ☐
- ٣ أَلَكَلِمَةُ الْغَرِيبَةُ : تَطْرِيزُ ☐ فَخَّارُ ☐ سَكِينَةٌ ☐ مُنَمَّمَةٌ ☐
- ٤ أَلَكَلِمَةُ الْغَرِيبَةُ : جُبْنَةٌ ☐ نَحْتُ ☐ زُبْدَةٌ ☐ حَلِيبُ ☐
- ٥ أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ : يُصَلِّحُ ☐ يُنْتِجُ ☐ يُكْتَبُ ☐ يَسْمَعُ ☐
- ٦ أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ : يَفْتَحُ ☐ يُشْرِفُ ☐ يُضْرَبُ ☐ يُصَلِّحُ ☐
- ٧ مَعْنَى «قَتَلَ» : كُشِتَ ☐ مَيَّ كُشِدَ ☐ كَشَتَهُ شَدَّ ☐ كَشَتَهُ مَيَّ شَوْدَ ☐
- ٨ أَلْفِعْلُ الْمَعْلُومُ : قَتَلَ ☐ جَعَلَ ☐ نُصِرَ ☐ كُتِبَ ☐
- ٩ الْأَمْرُ مِنْ «تُعَلِّمُونَ» : عَلِّمُوا ☐ أَعْلِمُوا ☐ إَعْلَمُوا ☐ تَعَلَّمُوا ☐
- ١٠ أَلْنَهْيُ مِنْ «تَتَكَلَّمُ» : لَا تَتَكَلَّمُ ☐ مَا تَكَلَّمْ ☐ لَا تَتَكَلَّمْ ☐ لَا يَتَكَلَّمْ ☐

الْعَمَلُ الْيَدَوِيُّ

الأوريغامي فن طَيُّ الورق. الّهْدَفُ مِنْهُ **تَحْوِيلٌ** وَرَقَةٍ إِلَى شَكْلِ جَمِيلٍ. هَذَا الْفَنُّ يُسَاعِدُكَ عَلَى التَّرْكِيزِ. يَكُونُ الْوَرَقُ مُلَوَّنًا مِنْ جَانِبٍ وَ أَبْيَضَ مِنَ الْجَانِبِ الْآخَرِ، وَ تَوْجَدُ أَوْرَاقٌ مُلَوَّنَةٌ؛ وَ يُمَكِّنُ لَنَا اسْتِخْدَامَ أَيِّ وَرَقٍ لِلطَّيِّ. اصْنَعْ شَكْلًا مِنَ الْأُورِيغَامِيِّ وَ عَلِّمْ زُمَلَاءَكَ طَرِيقَةَ صُنْعِهِ.



تَرْكِيز: مَتَمَرِّكُزْ كَرْدَن

تَحْوِيل: تَبْدِيل

طَيِّ: تَا كَرْدَن



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام : ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

«تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مَخْلُوقَاتُ اللَّهِ تُثَبِّتُ قُدْرَةَ اللَّهِ مِنْهَا عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ:



أَلْعِنَبُ الْبَرَاذِيلِيُّ:

أَثْمَارُهُ عَلَى جِدْعِهِ،
وَيُعْطِي أَثْمَاراً طَوِيلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السَّكُوبَا:

يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِثْرٍ
وَيَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ، وَيَزِيدُ
عُمْرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَخَمْسِمِئَةٍ
سَنَةٍ تَقْرِيباً.



الشَّجَرَةُ الْخَانِئَةُ:

شَجَرَةٌ فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ
حَيَاتُهَا بِالِاتِّفَافِ حَوْلَ جِدْعِ شَجَرَةٍ وَ
أَغْصَانِهَا، ثُمَّ تَخْنُقُهَا تَدْرِيجِيًّا.

شَجَرَةُ الْخُبْزِ:

شَجَرَةٌ فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي،
لَهَا أَثْمَارٌ كَالْخُبْزِ.
يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ أَثْمَارِهَا.



شَجَرَةُ النَّفْطِ:

شَجَرَةٌ فِي بُدُورِهَا زَيْتٌ،
وَ يُمَكِّنُ إِنْتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ:

رُبَّمَا تَبْلُغُ مِنَ الْعُمْرِ أَلْفِي سَنَةٍ.
يَسْتُرُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوَازِ الْبَلُوطِ
تَحْتَ التُّرَابِ، وَ رُبَّمَا يَنْسَى مَكَانَهَا.
وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَصِيرُ الْجَوَوزَةُ
شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ، مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ.

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا، مردم کاری حلال تر و خوب تر
از آن انجام نداده اند.

جَوْزَة: دانه گردو، بلوط و مانند آن	أَحَلَّ: حلال تر، حلال ترین
خَنَقَ: خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)	اشْتَعَلَ: برافروخته شدن، سوختن (اشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)
خَانِق: خفه کننده	أَطْيَب: خوب تر، خوب ترین = أَحْسَن، أَفْضَل
فَالِق: شکافنده	أَغْصَان: شاخه ها «مفرد: غُصْن»
لُب: مغز میوه، مغز هر چیزی	الْتِفَاف: در هم پیچیدن (الْتَفَّ، يَلْتَفُّ)
الْمُحِيطُ الْهَادِي: اقیانوس آرام	جَذَع: تنه «جمع: جُذوع»
نَوَى: هسته «واحد: آن: نواة»	جُزُر: جزیره ها «مفرد: جَزِيرَة»

صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١ تَبَدُّ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ..... حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ أَغْصَانِهَا.
- ٢ حَسَبَ قَوْلِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَطْيَبُ الْأَعْمَالِ ال..... وَ الْغَرْسُ.
- ٣ يَتَبَلَّغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ..... مِثْرٍ.
- ٤ تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبَرَاذِلِيِّ عَلَى..... شَجَرَتِهِ.
- ٥ لِشَجَرَةِ الْخُبْزِ أَثْمَارٌ فِي نِهَايَةِ..... كَالْخُبْزِ.
- ٦ يَأْكُلُ النَّاسُ..... أَثْمَارَ شَجَرَةِ الْخُبْزِ.

شراء شريحة الهاتف الجوال

موظف الاتصالات

الزائرة

تفضلي، و هل تريدين بطاقة الشحن؟

رجاءً، أعطني شريحة الجوال.

تستطيعين أن تشحني رصيد جوالك عبر الإنترنت.

نعم؛ من فضلك أعطني بطاقة بمبلغ خمسة وعشرين ريالاً.

تشتري الزائرة شريحة الجوال و بطاقة الشحن و تضع الشريحة في جوالها و تريد أن تتصل ولكن لا يعمل الشحن، فتذهب عند موظف الاتصالات و تقول له:

أعطني البطاقة من فضلك.
سامحيني؛ أنت على الحق. أبدل لك البطاقة.

عفواً، في بطاقة الشحن إشكال.



بطاقة الشحن: كارت شارژ
سامحيني: مرا ببخش

شحن: شارژ
تضع: می گذارد

اتصالات: مخابرات
عبر: از راه
أبدل: عوض می کنم

شريحة: سیمکارت
رصيد: اعتبار مالی
أنت على الحق: حق با توست

إِعْلَمُوا

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده کاری یا دارنده حالتی» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعِل» و «مفعول» هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	ترجمه	اسم مفعول	ترجمه
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریدگار	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	ترجمه	اسم مفعول	ترجمه
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلیدکننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَكْتَسِبُ	مُكْتَسِب	به‌دست آورنده	مُكْتَسَب	به‌دست آورده شده
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّم	یادگیرنده	مُتَعَلَّم	یاد گرفته شده
يُسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَتَهَاجَمُ	مُتَهَاجِم	حمله کننده	-	-
يُنْسَحِبُ	مُنْسَحِب	عقب‌نشینی کننده	-	-

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

گروه اول: فعل‌هایی بود که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن «فاعل» و «مفعول» بود.

نَصَرَ ← ناصِر، مَنْصُور

گروه دوم: فعل‌هایی است که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «م» شروع می‌شود.

اِنْتَظَرَ ← مُنْتَظِر، مُنْتَظَر

یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل : مُ ... — ...) ، (اسم مفعول : مُ ... — ...)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ وَالْعِبَارَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَاسْمَ الْمَفْعُولِ.

.....	مَفْتُوح		حَارِس		مَرْفُوع		دَافِع
.....	مُسَافِر		مُعْتَمِد		مُقَلَّد		مُصَدِّق
.....	مَطْبُوح		صَادِق		مُشَاهَد		مُتَكَلِّم
.....	مُتَحَرِّك		مُعْتَذِر		مُخْرِج		مُسَاعِد

يا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مَالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

من دُعَاءِ الْحَوْشَنِ الْكَبِيرِ

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ .



١ يُمكنُ شراءِ الشَّريحةِ مِنْ إِدارةِ الاتِّصالاتِ.

٢ الْمُحيطُ الهادئُ فِي شَمالِ مُحافَظَةِ مازندرانِ.

٣ لا يُمكنُ شَحْنُ الجَوَّالِ عَبْرَ الإنْتِرِنِتِ.

٤ شَجَرَةُ الخُبْزِ فِي جُزُرِ الخَلِيجِ الفارِسيِّ.

٥ أَلْهاتِفُ الجَوَّالِ أَداهُ اتِّصالٍ لاسِلكيٍّ!

٦ عُمُرُ أَشجارِ البَلوطِ قَليلٌ جِدًّا.

التَّمرينُ الثَّاني: اُكْتُبِ مُفْرَدَ الجُموعِ التَّالِيَةِ.

صِناعات		أَوانِي		سُيَّاح	
أَغْصان		أَثْمار		أَجْهَزة	
أَصْدِقاء		سَبائِك		زَبائِن	
خِصال		غابات		بَنات	
جُذوع		أَقارِب		حِرَف	
أَسلاك		آلاف		آراء	
أَجانِب		صُناع		جُزُر	

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

١ يا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مُحَمَّدٍ.

٢ يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلظَّالِمِينَ.

٣ ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ اَلْتَّبَأُ: ٤٠.

٤ مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ، فَهُوَ جَاهِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥ سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦ الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٧ كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْتُ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٨ لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَجَائِبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ؛ ثُمَّ اكْتُبْ حَدِيثًا مُنَاسِبًا لَهَا.
﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ١٤



سَرُّوْ اَبْرَكَوْه فِى يَزْد عُمْرُهُ اَرْبَعَةَ اَلَاْفِ
وَ خَمْسُمِئَةِ سَنَةٍ

سرو ٤٥٠٠ ساله ابرکوه یزد



زَنْبَقُ الْمَاءِ الْعِمْلَاقُ فِى اَمَازُون

نیلوفر آبی بزرگ آمازون



زَهْرَةُ الزَّعَلِ وَ السَّلَام

گیاه قهر و آشتی



بِئْرُ زَمَزِمِ قُرْبَ مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِاِيْلَام

چاه زمزم نزدیک شهر بدره ایلام



بَطُّ ماندارین فی شَرْقِ آسیا
اردک پرندۀ در شرق آسیا



السَّمَكُ الطَّائِرُ
ماهی پرندۀ



الشَّقَقُ الْقُطْبِيُّ
شفق قطبی



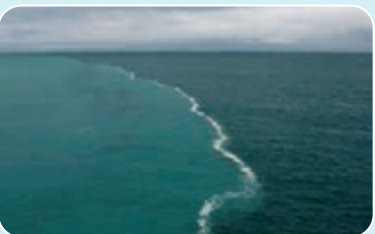
الْوَارِقَةُ
حشرۀ برگِی



الْجِبَالُ الْمَرِیْخِيَّةُ بِمَدِينَةِ شَابَهَار
کوه‌های مَرِیخی چابهار



كَهْفٌ عَلٰی صَدْرٍ، اَكْبَرُ كَهْفٍ مَائِيٍّ
فِي الْعَالَمِ
غار علی صدر، بزرگترین غار آبی جهان



بَحْرُ بِلَوْنَيْنِ
دریایی با دو رنگ



السَّمَكَةُ الشَّفَافَةُ
ماهی شفاف

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ،

إِلَى اللِّقَاءِ، نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الثَّانِي عَشَرَ ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛ فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب های درسی راه اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب های درسی نوگاشت، کتاب های درسی را با کمترین اشکال به دانش آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده ای را برعهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که در این زمینه تلاش کرده اند و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده اند، به شرح زیر اعلام می شود:

اسامی دبیران برگزیده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن - پایه یازدهم - رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش - کد ۲۱۱۱۱۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	معصومه سپندار	چهارمحال و بختیاری	۹	نرگس دهقانیان	بوشهر
۲	طهمورث سلیمانی	کردستان	۱۰	کمال اسدی	قزوین
۳	یوسف فاضل	گلستان	۱۱	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی
۴	غلامرضا یرشی	بوشهر	۱۲	معصومه پویا	البرز
۵	مهدی شغایی	آذربایجان شرقی	۱۳	سیدامید سادات کیایی	البرز
۶	رخساره آبراهه	خراسان جنوبی	۱۴	صمد نجفی	چهارمحال و بختیاری
۷	محمد امیری فر	خراسان جنوبی	۱۵	پرویز شیخ	گلستان
۸	فاطمه یوسفعلی	قزوین	۱۶	فاطمه سرپرست	قزوین